



قدرت و کنترل‌های اخلاقی

نویسنده:

سید علی اکبر حسینی شحنه



سرشناسه	حسینی، سیدعلی اکبر، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور	قدرت و کنترل های اخلاقی / سید علی اکبر حسینی شحنه
مشخصات نشر	تهران: انتشارات اساتید دانشگاه: یاد عارف، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۱۷۶ص.
شابک	978-600-8829-59-1
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۶۸-۱۷۲.
موضوع	اخلاق و سیاست-- جنبه های مذهبی-- اسلام
موضوع	Political ethics-- Religious aspects-- Islam
موضوع	اسلام و عدالت
موضوع	Islam and justice
موضوع	اخلاق و سیاست
موضوع	Political ethics
موضوع	اقتصاد -- جنبه های اخلاقی
موضوع	Economics -- Moral and ethical aspects
موضوع	قدرت (کلام)
موضوع	Power (Islamic theology)*
موضوع	اسلام و اقتصاد
موضوع	Islam -- Economic aspects
رده بندی کنگر	۱۳۹۷ ۴۵۵ق/۹/۲۵۴BP
رده بندی دیویی	۴۸۳۲/۲۹۷
شماره کتابشناسی	۵۱۴۰۴۱

قدرت و کنترل های اخلاقی

نویسنده: سید علی اکبر حسینی شحنه

استادیار دانشگاه

ناشر: انتشارات اساتید دانشگاه

ناشر همکار: انتشارات یاد عارف

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: بهار ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۲۵۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۲۹-۵۹-۱

تلفن انتشارات: ۰۹۱۲۴۳۴۲۷۴۱ همراه ۰۲۱-۶۶۴۰۱۸۷۸-۶۶۴۰۵۰۷۳

چکیده

نکته اساسی (مسئله) کتاب این است که برابری انسان در بهره‌مندی از نعمت‌های الهی اقتضاء می‌کند اگر فرد یا افرادی امتیازاتی دارند آن امتیاز ناشی از تلاش مضاعف آن‌ها باشد. ولی نقش ساختارها، قوانین و ... که توسط حکومت تصویب و اجرا می‌شود ممکن است به گونه‌ای باشد که اشخاص یا طبقاتی بدون تلاش مضاعف بهره بیشتر و یا برعکس حتی با تلاش مضاعف، بهره‌ای کمتر ببرند که معمولاً زمینه‌ساز این نوع بی‌عدالتی‌ها ساختارهایی است که توسط حاکمان شکل می‌گیرد. (بسمه) کتاب بررسی کیفیت و سهم ارزش‌های اخلاقی در کنترل حاکمان در این‌دنه وارد اساس روش مطالعه کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی است. در حقیقت قوت و ضمانت‌های حاکمان به اجرا می‌گذارند در مجموع ساختار خاصی را برای فعالیت و تعاملات انسان‌ها به وجود می‌آورد که آثار مستقیم و یا غیر مستقیمی دارد که ممکن است عادلانه یا غیرعادلانه باشد. در این‌گونه موارد با نگرش دقیق و علمی می‌توان متوجه شد که عامل تعیین‌کننده، قوانین و ساختارهایی است که توسط حکومت ایجاد شده. در اسلام الگو و آموزه‌هایی ارائه شده است که چگونگی رابطه مطلوب قدرت، عدالت، اقتصاد، مسئولیت صاحبان قدرت و مردم را نشان می‌دهد.

بر اساس اصل تناسب و حکم موضوع، مسئولیت اخلاقی حاکمان به تناسب اختیار و آزادی است که به علت قدرت، در اختیاردارند. از نظر اسلام آن‌ها امانت‌دار اسلام و امت اسلامی هستند. یعنی، نباید این آزادی در خدمت منافع شخصی یا گروهی باشد و یا حتی به شیوه غیرسالم، وسیله تداوم قدرت شود. تمهیدات اسلام علاوه بر کنترل‌های اخلاقی، یکی شرط پیشین عدالت عملی و اعتقادی حاکمان و دیگری نظارت مستمر جامعه در قالب امر به معروف و نهی از منکر و حق بازخواست مردم از حکومت و مهم‌تر از همه، محدودیت قدرت حاکمان به امور حاکمیتی و قوانین است.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه :	۱۱
عدالت اجتماعی :	۱۳
احیاء مجدد اخلاق در حوزه سیاست :	۱۴
رابطه دین و سیاست :	۱۵
بخش اول: طرح تئوریک :	۱۷
۱- تعریف مسئله و بیان موضوع :	۱۸
۲- پیشینه تحقیق :	۱۹
۳- اهداف مورد نظر :	۲۰
۴- سوالات اصلی :	۲۰
۵- سوالات فرعی :	۲۰
۶- فرضیه ها :	۲۰
۷- سازماندهی کتاب :	۲۲
بخش دوم: مبانی مسئله :	۲۵
۱- تعریف واژه ها و اصطلاحات بنیادی :	۲۶
ارزشهای اسلامی :	۲۶
آزادی :	۲۶
اخلاق :	۲۷

۲۸.....	قدرت:
۲۸.....	عدالت:
۲۹.....	کنترل:
۳۰.....	سیاست:
۳۰.....	اقتصاد:
۳۱.....	اقتصاد سیاسی:
۳۱.....	۲- پیچیدگی روزافزون ساختارها و روابط انسانیها
۳۲.....	۳- عدالت خواهی
۳۲.....	۴- الگوی شیوه بحث
۳۳.....	فصل اول: نقش ساختارها، نظارت، زنگری مستمر در برقراری عدالت
۳۴.....	مقدمه:
۳۵.....	۱-۱ سهم اخلاق در مدیریت سیاست و اقتصاد
۳۷.....	۱-۲ نقش حساب صاحبان قدرت در ساختار و کارکرد حکومت
۴۰.....	۱-۳ ملاکی برای عادلانه و یا غیرعادلانه بودن برنامه ها
۴۲.....	۱-۴ دو نوع روش در ایجاد ساختار توزیع عادلانه
۴۵.....	۱-۵ بی عدالتی نسبت به جایگاه والای عدالت
۴۷.....	۱-۶ آسیب شناسی کارآمدی ملکه عدالت، در صاحبان قدرت
۵۰.....	نتیجه گیری:
	فصل دوم: دیدگاه ها و نظریه ها نسبت به ساختار قدرت و الگوی مطلوب کنترل
۵۳.....	کننده روابط انسانی

۵۴	 مقدمه:
۵۶	 ۱-۲ سابقه و سیر تاریخی اندیشه اخلاق در اقتصاد سیاسی
۵۷	 ۲-۲ مشترکات و مختصات اقتصاد، آزادی و سیاست
۶۰	 ۳-۲ فلسفه وجودی دولت و قدرت
۶۲	 ۴-۲ دیدگاه صاحب نظران :
۶۲	 ۱-۴-۲ افلاطون:
۶۳	 ۲-۴-۲ ارسطو:
۶۵	 ۳-۴-۲ اگوستین
۶۶	 ۴-۴-۲ ماکیاوئل:
۶۸	 ۵-۴-۲ هابز:
۷۲	 ۶-۴-۲ لای
۷۳	 ۷-۴-۲ روسو
۷۵	 ۸-۴-۲ کانت
۷۷	 ۹-۴-۲ وبر
۷۹	 ۱۰-۴-۲ مارکس
۸۰	 ۱۱-۴-۲ منتسکیو
۸۱	 ۱۲-۴-۲ دوتوکویل
۸۳	 ۱۳-۴-۲ رالز
۸۶	 ۵-۲ نظریه اسلام
۹۰	 خلاصه و نتیجه گیری:

فصل سوم: بررسی نسبت آزادی، سیاست و اقتصاد در پرتو اخلاق.....	۹۳
مقدمه:	۹۴
۱-۳ تناسب و عدم تناسبهای قدرت، اقتصاد و آزادی	۹۴
۲-۳ اقتصاد در ذیل آزادی یا آزادی در ذیل اقتصاد، یا هر دو در تعامل با هم؟	۹۶
۳-۳ اقتصاد، حکومت و عدالت:	۹۹
۴-۳ آزادی، اقتصاد و اخلاق در نگاه صاحب نظران غربی	۱۰۲
۵-۳ نوع ورود اخلاق در حوزه اقتصاد سیاسی	۱۰۵
۶-۳ پیچیدگی‌ها و ظرافت‌آلودی در حوزه قدرت	۱۱۵
۷-۳ عدالت اجتماعی	۱۱۶
۸-۳ زیرساختهای ضروری برای آزادی	۱۲۳
۹-۳ غیرعادلانه بودن رقابت دولت با بخش خصوصی، در اقتصاد	۱۳۵
۱۰-۳ اهداف، تأمین بیشترین خیر عمومی	۱۳۶
خلاصه و نتیجه گیری:	۱۳۷
فصل چهارم: الگوی مطلوب صاحبان قدرت، بر اساس ارزشهای اسلامی ...	۱۳۹
مقدمه:	۱۴۰
۱-۴ نظام حکومتی مطلوب از نظر اسلام	۱۴۱
الف- اولویت اسلام ایجاد ساختار عادلانه، به جای اجرای صرف عدالت:	۱۴۱
ب- ترسیم جامعه مطلوب اسلامی برپایه حقوق:	۱۴۳
ج- آموزه عدالت، بر پایه حقوق و حاکم سازی گفتمان عدالت، در جامعه:	۱۴۴
د- حس زندگی و احساس بودن	۱۴۵

- و- تأمین عزت جامعه و حکومت از طریق اعمال حکمت و مصلحت ۱۴۶
- ز- توسعه جامع و پایدار ۱۴۷
- ۲-۴ تدابیر اسلام در کنترل قدرت در جهت عدالت ۱۴۷
- ۳-۴ تحقق عدالت و معنویت، محور حکومت ۱۵۲
- ۴-۴ معیار ارزشمندی حکومت از دیدگاه حضرت علی-ع- ۱۵۳
- ۵-۴ ارزش حکومت از دیدگاه امام خمینی -ره- بر اساس معیارهای اسلامی ... ۱۵۴
- ۶-۴ امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه همگانی ۱۵۴
- ۷-۴ جوامع ساده - پیچیده و قدرت های محدود و گسترده ۱۵۶
- ۸-۴ حدود قدرت، در حکومت اسلامی ۱۵۹
- ۹-۴ محدوده اعمال ولایت بر مردم ۱۶۰
- ۱۰-۴ برجستگی نقش مردم در حکومت، عبادا محدودیت قدرت حکومت ۱۶۳
- نتیجه گیری: ۱۶۵
- خاتمه: ۱۶۷
- منابع : ۱۷۲

مقدمه :

از گذشته‌های بسیار دور ضرورت قدرت متمرکز برای جامعه از یک سو و کنترل آن از سوی دیگر مورد بحث و نظر بوده است و از دیرباز در جوامع و فرهنگ‌های مختلف برای تنظیم قدرت در حد مطلوب، اقدامات گوناگون صورت گرفته است. در این مورد، در اسلام نیز در ابعاد گوناگون، از جمله در فقه و اخلاق آثار فراوانی به جامانده است. موضوع، در بین صاحب نظران نیز سابقه طولانی دارد. به نظر مونتسکیو، دین و اخلاق و سیاست میان مخلوقات دنیا تنها در انسان پدیدار می‌شود و علت وجودی آن‌ها این است که چون تنها بشر از نعمت هوش و اراده برخوردار است، بایسته است که سیرهای از قبیل دین، اخلاق و سیاست، آزادیش را تحدید کند. (جونز، ۱۳۸۳، ج ۲: ۸۹۰) بنابراین، همان گونه که آزادی شهروندان اگر توسط دین و اخلاق و سیاست کنترل نشود، بامنه انسانی تباه می‌شود. به طریق اولی، قدرت مضاعف در اختیار حکومت گران، نیازمند رکن کنترل است، تا حاکمان برای انسان‌ها، خطرناک نشوند. مونتسکیو، ضمن تأکید بر قانون، معتقد است که هر چیزی را فقط می‌توان با خودش کنترل کرد، قدرت را با قدرت، پول را با پول و زور را با زور. راه حل مونتسکیو برای کنترل قدرت متمرکز دولت، یک وجود طبقات قومی مانند اشراف است و راه حل دوم این بود که قدرت حکومت به قیامت مختلف تقسیم شود تفکیک قوا (وایرز، ۱۳۸۱: ۴۵)

در مورد کنترل قدرت، ادیان توحیدی از جمله اسلام که هدف خود را "سعادت" انسان قرار داده‌اند، تمرکز فراوانی بر ارائه الگویی دارند که منتهی به سعادت شود. در این راستا، قهراً به الگوی مطلوب قدرت در خدمت سعادت پرداخته‌اند تا انسان بتواند ضمن حفظ آزادی فردی در راستای ایجاد فرصت فردی در جهت کمال،

نیازهای جمعی خود را نیز از قبیل نیاز به قدرت حکومتی، تأمین کند. زیرا کیفیت نظام و ساختار قدرت، نقش بی‌بدیل و منحصر به فردی در حفظ کلیت زندگی زیستی و معنوی انسان دارد که قابل چشم‌پوشی نیست.

منزلت و جایگاه ارزش‌های اخلاقی در ادیان توحیدی از مفاهیم آشنا و شناخته‌شده است و در فرهنگ اسلامی بر اساس روایت معروف پیامبر اسلام -ص- که فرمود: «ثبات دین با ثبات مکارم الاخلاق» جایگاه اخلاق، ممتاز و بی‌بدیل است. در اخلاق، بحث از کیفیت روابط انسان با خدا، با دیگر انسان‌ها، با خود و با طبیعت می‌شود که از موضوع دینی تمامی انواع روابط، از جمله روابط موجود در حوزه قدرت، در ذیل رابطه انسان با خدا دیده و تفسیر شده و ارزش‌گذاری و مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

قبل از عصر مدرن و صنعتی شدن و توسعه‌یافتگی، با توجه به محدودیت جمعیت و روابط تجاری، غیرعادلانه بودن یا نبودن نظام‌ها و قوانین حاکم بر کلیت تعاملات اقتصادی، چندان به چشم نمی‌آمده است. ضمن آن‌که به دلیل عدم ثبات نهادها و قوانین ناظر بر روابط اقتصادی، اجتماع، حاکمیت، خود را در شخصیت محوری حاکم، نشان می‌داده است و بی‌عدالتی‌ها و بی‌اخلاقی بودن نظام‌های حکومتی، بیشتر به حساب عدالت یا ظلم حاکم نهاد نمی‌انداخته و عادلانه یا غیرعادلانه بودن نظام‌ها و نهادها، چندان موضوع قضاوت اخلاقی قرار نمی‌گرفته است.

در مقابل، تحولات عصر مدرن، به‌ویژه تنوع نظام‌های مسلط بر اقتصاد کشورها، منجر به اختلافات ایدئولوژیک در این زمینه گردید و باعث چنان دگرگونی وسیعی شد که در زمان دوقطبی شدن جهان، همین مسلک‌ها و ساختارها بود که جهان را به بلوک شرق و غرب تقسیم کرد و تمایز ماهوی نهادها را برجسته ساخت.

صاحب نظران نیز به تناسب واقعیت‌های جدید علاوه بر نقد حاکمان مسلط بر هر یک از این دو قطب، به نقد ساختارهای حاکم بر این دو قطب و نظریات جزئی‌تر موجود در ذیل آن‌ها پرداختند. گرچه بحث محدود به دو نظام سرمایه‌داری / سوسیالیسم، باقی نماند و دامنه بحث به لحاظ نظری بسیار پرحاشیه شد. ولی اهمیت موضوع عادلانه یا غیرعادلانه بودن نظام‌ها و نهادها علاوه بر حاکمان، قطعیت یافت.

به تدریج، به تناسب گستردگی موضوعات و سوژه‌ها، بحث‌ها ویژه‌تر و تخصصی‌تر گردید، جایی که به نظر می‌رسید گاهی موضوعات به هم مرتبط هم، جداگانه مورد بحث قرار می‌گرفتند. در حقیقت گستردگی مباحث به این تقسیم‌بندی‌ها دامن زده بود و عملاً کاسته‌هایی نیز از رهگذر این تقسیم‌بندی‌ها، تحمیل گردید و به دلیل همین تفکیک گسترده پدیده‌ها و اجزاء به هم مرتبط با بحث عدالت اجتماعی، گاه به شکل جدای از هم در بحث قرار گرفتند. مثلاً، در اقتصاد، اخلاق، سیاست، جامعه‌شناسی و امثال آن‌ها. به نظر می‌رسد که جبران این نوع کاستی، مطالعات و تحقیقات بین‌رشته‌ای در این مورد است که نگارنده در این کتاب از این اصل پیروی کرده است.

عدالت اجتماعی:

عدالت اجتماعی موضوعی است که از یک سو مرتبط به قدرت، سیاست و نهادها است و از سوی دیگر به اقتصاد و اخلاق و از طرف سوم، مسئولیت آن با نهادهایی است که دست‌اندرکار تدوین قوانین مربوط هستند و از همه مهم‌تر، به عاملان حکومت و مدیران مربوط است که چگونگی اجرا و تنظیم روابط اقتصادی و اجتماعی را به عهده دارند و چه‌بسا در راستای اهداف قدرت‌طلبی، منفعت‌جویی و... نظامانی را سامان می‌دهند که اصل آن "سامانه" ناعادلانه است. بنابراین، بحث "عدالت اجتماعی" نقطه ثقل این کتاب است. البته از زاویه‌ای که مربوط به حکومت

است و جنس بین‌رشته‌ای دارد. بین‌رشته‌ای به این ترتیب که اقتصاد با محوریت ارزش‌های مادی، سیاست با محوریت قدرت، و اخلاق، فلسفه اخلاق و اخلاق کاربردی، با محوریت ارزش‌های معنوی که هر یک دامنه گسترده‌ای را شامل می‌شوند. در حقیقت بررسی ابعاد عدالت اجتماعی با بروز ناهنجاری‌ها، نابسامانی‌ها، جنایت‌ها، نسل‌کشی‌ها و بی‌عدالتی‌های گسترده، از موضع آسیب‌شناسی نیز اهمیت روزافزونی یافت. زیرا، بحث "عدالت اجتماعی" به همه این‌ها مرتبط است.

احیاء مجدّد اخلاق در حوزه سیاست :

شاید انگیزه اریه جای‌تر شدن مجدد مباحث اخلاقی در عصر کنونی به‌ویژه در غرب، چندان تحت تأثیر ورود فعالانه ادیان توحیدی اخلاق محور، نبوده است. بلکه، ضرورت‌هایی که از ره‌گذر بحران‌های انسانی که آرامش زندگی مادی را به هم زده، منشأ رویکرد جدید به اخلاق شد. در هر صورت، اخلاق نیز مانند بحث اقتصاد، مسئله جدی عصر کنونی است. که به‌نوبه خود، علاوه بر اخلاقی بودن یا نبودن رفتارهای اشخاص، اخلاقی بودن نهادها، قوانین، ساختارها و ... را به بحث کشانده است. در حقیقت ایدئولوژی‌های مطرح، ترکیبی از موضوعات و محورهای مهمی از آن‌ها، اخلاق، اقتصاد و سیاست است. به عبارت دیگر، بحث ایدئولوژی‌ها، عمدتاً مباحثی از سنخ اخلاق، اقتصاد و سیاست است. که این خود، شاهد جدی بودن و اهمیت نگاه ترکیبی به این مباحث است.

در این کتاب، کوشیده شده است تا با بررسی زوایای موضوعات مرتبط، نشان داده شود که کالبد نظام‌های اقتصادی-سیاسی، جدای از نقش صاحبان قدرت و ثروت، قابلیت آن را دارد که مورد بحث قرار گیرد. چراکه در مواردی که ساختار و نظام، غیر اخلاقی باشد، رفتار اخلاقی شخصی، راه اصلاح ساختار، نیست. عامل

اصلاح نیز محدود به اراده شخصی مسئولین بر رفتار اخلاقی فردی، نیست. بلکه اگر راهی برای عادلانه بودن ساختارها و نهادها وجود داشته باشد، در مقیاس اصلاح کلان و ساختاری، خواهد بود.

رابطه دین و سیاست:

رابطه دین و سیاست نیز از موضوعاتی است که مباحث بسیاری را دامن زده است. قبل از رنسانس در اروپا فرض بر این بود که اطاعت ناشی از درک این مهم است که همه قدرت‌ها برخاسته از خداست و اتباع با اطاعت از رهبران، در حال اطاعت از خدا هستند. در مقابل بعد از رنسانس، قدرت مشروع حاکمان نتیجه انواع قراردادهای صریح با سمن اجتماعی تلقی شد. (هیندس، ۱۳۹۶: ۱۶) و در فرهنگ جهان مسیحیت و غرب، بحث تفکیک دین از سیاست و به تبع آن بی‌ارتباط شدن اخلاق دینی با سیاست و با مدیریت و اقتصاد و... جدی شده و در عمل نیز، دیدگاه لائیک و سکولار، حاکم و غالب گردیده است ولی، نگاه دین مسیحیت هرچه باشد، جای شک نیست. که در اسلام، با توجه به منابع اسلامی و به‌ویژه سنت عملی پیامبر اسلام، -ص- راهی برای تفکیک دین و سیاست چنانکه در غرب مسیحی رخ داد، وجود ندارد. چنانچه اساس ج-ا- ایران، عمدتاً مبتنی بر این دیدگاه است که سیاست، دیانت، اخلاق و اقتصاد در یکدیگر ادغام شده است و اساساً دیانت مداری، در تنظیم دین مدارانه روابط، که شامل ساختار قدرت، سیاست نیز می‌شود، البته در راستای کرامت انسان معنادار می‌گردد.

اهمیت موضوع موجب شد که در ایران پس از انقلاب، تحت تأثیر اعتقاد فوق که اسلام روابط عادلانه‌ای را بر قدرت و اقتصاد مسلط می‌سازد، بحث عدالت با نگاهی جامع‌الاطراف از مباحث عمده و اساسی گردد. بر همین اساس افکار عمومی نابه سامانی‌های احتمالی موجود را، به‌پای عدم اجرای صحیح و کامل اسلام می‌گذارد. به

این معنی که عدالت محوری اسلام، در مقیاس تحقق حکومت عادلانه و ساختار عادلانه، مفروغ عنه تلقی می‌شود. البته بر اساس آموزه‌های اسلام، این عقیده غلط و بی‌راه نیست.

نگارنده در این کتاب در حقیقت، عهده دار بررسی، نقش اخلاق در کنترل آزادی-های منبعث از قدرت، است که بیشترین سهم آن، مربوط به اخلاق آزادی در اقتصاد سیاسی است. زیرا، اقتصاد سیاسی، نقطه اتصال سیاست و اقتصاد را مورد بحث قرار می‌دهد. از طریق این اتصال، دیگر فرایندها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. صاحبان قدرت کسانی هستند که با قدرت خود، بیشترین آزادی‌ها را در مقایسه با افراد متعارف در اختیار دارند. سرلین سیاسی، تصمیماتی را اتخاذ می‌کنند که در مقیاس وسیع و پایدار، آثار گسترده‌ای را به بار می‌آورد. اما چه‌بسا تصور شود، مسئولیت اخلاقی در قبل آثار پایدار تصمیمات خود ندارند و یا مردم توجه نکنند که ممکن است مقصر بی‌عدالتی احتمالی ساختار و بود، تصمیم گیران عرصه سیاست بوده-اند. یا تصور شود، اگرچه مسئولیت اخلاقی بر اساس وجدان اخلاقی متوجه آنها است ولی در این رابطه به لحاظ وظایف دینی و اخلاق دینی و مکتبی، فاقد مسئولیت هستند. فرضیه اصلی نگارنده این است که ذات مسئولیت اخلاقی هم از موضع مکتبی و هم از موضع وجدان اخلاقی دارند. ولی سرخ از مسئولیت مسئولین، مردم نیز باید با سازوکارهای مختلف و انواع تمهیدات کنترلی و نظارتی متکی اسلام را در قالب ایجاد نهادهای تنظیم قوانین، به کار گیرند.